

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۱۳

نویسنده: ن . جلیل زاد

مقاله ملی فریاد بر خاک سوخته وطن



نیاکان مردم ما آنانی بودند که در سنگرهای استقلال، سه بار انگلیس را ذلیل ساختند، به سکندر درس دادند، در جنگ دفاع از وطن علیه چنگیز خان حماسه آفریدند، در مقابل یورش قاجاری ایستادند، روسها را شکست دادند، و

و اگر امروز مردم ما از نیاکان شان می گویند، دقیقاً منظور آن میلیون ها نیاکان گمنام ما هستند که به نواسه های شان درس استقلال طلبی دادند نه استعمار نوازی .

روایتی ، نمونه ای کوچکی از میرویس نیکه.

زمانی که صفوی های اشغالگر ایران کشور ما را مورد هجوم قرار داده بودند و گورگین یکی از نمایندگان ظالم و خونریز صفوی ها در کندهار حکمرانی می نمود و توده های کندهاری را از زیر تیغ اشغال و ستم می کشید، مردم این ولایت به ستوه آمده در صدد خیزش برای رهایی از این اشغال بودند .

میرویس هوتک به حیث یکی از مردان استقلال طلب، رهبری جنبش ضد اشغال صفوی را بدست می گیرد و هزاران توده کندهاری به دور او جمع شده صفوف رهایی بخش او را مستحکمتر ساخته و استقلال کشور را با هم فریاد می کنند.

میرویس، گورگین و لشکر ظالم صفوی ها را شکست داد و پیام آزادی منطقه خودش را به دربار صفوی ها فرستاد و یکی از ماندگارترین حماسه استقلال طلبی را ثبت تاریخ کشور ما کرد

میرویس هوتک نماد استقلال طلبی و جنبش رهایی بخش بود .

او در میان مردم با مردم به ضد اشغال رفت و زنجیرهای اسارت را شکست و تاریکی های اشغال صفوی را با نور استقلال روشن ساخت .

افغانستان امروز در نقطه ای ایستاده است که تاریخ، نسل ها و وجدان جمعی از او حساب می خواهند . این سرزمین، تنها جغرافیا نیست، زخمی است که از روس تا اخوانی، از جهادی تا طالب، از ناتو تا پنتاگون، از مزدوران استخبارات تا تجزیه طلبان و فدرالیستچی های داخلی، هرکدام بر آن تیغ کشیده اند . اما درد بزرگ تر این است که هنوز هم کسانی هستند که با وقاحت، خاکستر همین ویرانی را ابزار معامله سیاسی و قومی می سازند.

وقتی به چهره مردم بی روزگار، بی آموزگار، بی پناه و بی فردا نگاه می کنیم، باید بدانیم که این فاجعه نتیجه یک روز و یک گروه نیست، نتیجه ده ها سال خیانت، معامله، قوم پرستی، قبیله گرایی، بی سوادسی و بی شرمی اخلاقی است .

روس آمد و وطن را میدان جنگ سرد ساخت، اخوانی ها آمدند و دین را ابزار قدرت کردند، جهادی ها آمدند و کابل را به خاکستر بدل کردند، طالبان آمدند و انسانیت را از ریشه بریدند، امریکا و ناتو آمدند و افغانستان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

را به آزمایشگاه ژئوپولیتیک بدل کردند، و در این میان، صرافان دالر، جنگسالاران، قاچاقبران، و مزدوران استخبارات بیگانه، خون مردم را به قیمت نفت و اسلحه فروختند.

اما فاجعه بزرگ تر این است: هنوز هم کسانی هستند که به جای درمان زخم، نمک تعصب بر آن می پاشند. تجزیه طلبان، خراسان خواهان، هزارستان سازان، فدرالیست های وارداتی، قوم پرستان تباری، افغان ستیزان و افغانستان ستیزان، همه در یک صف ایستاده اند: صف دشمنی با وحدت ملی.

این ها نه روشنفکر اند و نه عدالت خواه، این ها ابزارهای نرم همان قدرت هایی اند که سال هاست می خواهند افغانستان را از درون بشکنند.

افغانستان را نه روس و امریکا و پاکستان و ایران و عربستان و چین و اروپا نابود کردند، افغانستان را کسانی نابود کردند که در داخل، به نام قوم، به نام زبان، به نام مذهب، به نام تاریخ، مردم را علیه هم تحریک کردند.

دشمن خارجی همیشه دشمن است، اما دشمن داخلی، خنجر را از پشت می زند و با لبخند، وطن را تکه تکه می کند.

امروز وقت آن رسیده که نسل بیدار افغانستان، این چهره های تاریک را یک به یک افشا کند.

هیچ ملاحظه ای، هیچ ترسی، هیچ تعارفی نباید باقی بماند.

هرکس که به نام قوم، وحدت ملی را می شکند، دشمن وطن است.

هرکس که نام افغانستان را هدف می گیرد، در حقیقت ریشه مردم را می زند.

هرکس که تجزیه را نسخه نجات معرفی می کند، یا مزدور است یا جاهل و جاسوس.

هرکس که مردم را به نام تبار، علیه هم می شوراند، در خدمت بیگانه است، اگر خود نفهمد.

افغانستان، خانه مشترک همه اقوام است، نه ملکیت یک قبیله، نه ارثیه یک گروه، نه ابزار یک حزب.

این خاک با خون مشترک ساخته شده است، با اشک مادران هزاره، با فریاد جوانان پشتون، با رنج تاجیک، با مقاومت ازبک، با غیرت بلوچ، با وفاداری نورستانی، با صداقت ایماق، با فرهنگ قزلباش.

هیچ کس حق ندارد این خانه را به نام قوم مصادره کند.

اما در کنار این حقیقت، باید یک واقعیت تلخ را نیز گفت: دشمنان افغانستان، همیشه از شکاف های داخلی استفاده کرده اند.

هرجا که مردم به جان هم افتادند، بیگانه پیروز شد.

هرجا که قوم بر ملت غلبه کرد، وطن شکست خورد.

هرجا که تعصب بر عقل سایه انداخت، آینده تاریک شد.

و امروز نیز همان خطر، با چهره جدید، در کمین است.

نسل امروز باید بداند که افغانستان دیگر ظرفیت یک جنگ داخلی، یک تجزیه قومی، یک پروژه استخباراتی یا یک بحران سیاسی دیگر را ندارد.

این وطن، اگر یک بار دیگر بشکند، دیگر جمع نمی شود.

اگر یک بار دیگر به نام قوم تقسیم شود، دیگر بر نمی گردد.

اگر یک بار دیگر به دست مزدوران بیگانه بیفتد، دیگر قد راست نمی کند.

پس بیداری نسل امروز، تنها یک ضرورت سیاسی نیست، یک ضرورت تاریخی و وجودی است.

این نسل باید بداند که آینده افغانستان، نه در شعارهای قومی، نه در پروژه های تجزیه، نه در نسخه های وارداتی، نه در نفرت پراکنی، بلکه در وحدت ملی، عدالت اجتماعی، آموزش، قانون، و آگاهی سیاسی است.

آگاهی یعنی شناخت دشمن، نه تکرار شعارهای او.

آگاهی یعنی دفاع از وطن، نه دفاع از قبیله.

آگاهی یعنی ایستادن در برابر دروغ، نه تکرار آن.

آگاهی یعنی فهمیدن اینکه افغانستان، تنها با وحدت زنده می ماند، نه با تفرقه.

نسل امروز باید بداند که هیچ قدرتی، هیچ قبیله ای، هیچ حزب و هیچ دولت خارجی، آینده افغانستان را نمی سازد، آینده را جوانی می سازد که از خواب سنگین برخیزد و بفهمد که وطن، مسئولیت اوست.

اگر این نسل خاموش بماند، فردا علیه او ساخته می شود، اما اگر برخیزد، تاریخ مسیرش را تغییر می دهد.

افغانستان، امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند صدای بلند، قلم تیز، اراده قوی و وجدان بیدار است .
نیازمند نسلی است که نه بترسد، نه معامله کند، نه سکوت کند .
نیازمند نسلی است که بداند: وطن را با فریاد حقیقت می سازند، نه با زمزمه تعصب.
این قلم همه عزیزان هموطن را دعوت می کند ، دعوتی است به بیداری،
به افشاگری،
به مقاومت،
به دفاع از نام افغانستان،
به دفاع از مردم،
به دفاع از آینده.
وطن سوخته ما، چشم‌به راه همین بیداری است.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد